

روزی که شب در پی نخواهد داشت

یادداشتی ارزشمند از جناب نصرت الله بهره مند، چهارمین ولی امر دینت بهائی

حضرت بهاء الله می فرمایند:

«در جمیع أعهاد و أزمان أنبیاء و أولیاء باقوت ربانی و قدرت صمدانی در میان ناس ظاهر گشته و عقل
سلیم هرگز راضی نشود که نظر به بعضی کلمات که معانی آن را ادراک ننموده این باب هدایت را
مسدود انگارد... و شکی نیست که اگر یک آن عنایت و فیض او از عالم منقطع شود البته معدوم
گردد لهذا المیزل ابواب رحمت حق بوجه کون و امکان مفتوح بوده و لایزال امطار عنایت و مکرمت
از غمام حقیقت بر اراضی قابلیت و حقایق و اعیان مترکمه و مفیض خواهد بود اینست سنت خدا
من الازل الی الابد»

(مجموعه الواح مبارکه، چاپ مصر)

اراده الهی در الواح مبارک وصایا که جزء یتجزی کتاب مستطاب اقدس است متبلور است. اراده الهی حتمی است و آنچه وعده فرموده اند حتماً اجرا خواهد شد به علاوه بر طبق این سند الهی تعیین جانشین ولایة امرالله ربطی به نوشتن وصیتنامه ندارد زیرا "باید" در زمان حیات خویش من هو بعل (کسی که بعد از اوست. ولی عهد خود) را تعیین فرمایند.

«ای احبای الهی باید ولیّ امرالله در زمان حیات خویش من هو بعل را تعیین نماید تا بعد از صعودش اختلاف حاصل نگردد و شخص معین باید مظهر تقدیس و تنزیه و تقوای الهی و علم و فضل و کمال باشد لهذا اگر ولد بکر ولیّ امرالله مظهر الولد سراییه نباشد یعنی از عنصر روحانی اونه و شرف اعراق باحسن اخلاق مجتمع نیست باید غصن دیگر را انتخاب نماید»

در اوامر فوق کلمه "باید" الزامی بودن تعیین جانشین را تصریح می نماید و این امری است که اولین ولیّ امرالله به خوبی از آن آگاهی داشتند و در ترجمه این قسمت مرقوم داشتند:

"...It is incumbent upon the guardian of the Cause of God"

یعنی ولیّ امرالله موظف است...

اولین ولیّ امرالله در طی دوران ولایت خود نه تنها به اینکه قصد ندارند جانشین خود را تعیین نمایند یا بعد از ایشان ولیّ امر دیگری نخواهد بود و یا این که ایشان اولین و آخرین ولیّ امر دیانت بهائی هستند به هیچ وجه اشاره ای فرمودند بلکه بالعکس تا آخرین لحظه حیات عنصری خود به دوام و استمرار سلسله اولیاء امرالله تأکید فرمودند و مشخص فرمودند که: «تا آخر دوران دیانت بهائی راهنمایی و فیض خداوند ابتدا توسط حضرت عبدالبهاء و سپس از طریق اولیاء امرالله به بشر خواهد رسید» ایشان در تبیین "روزی که شب در پی نخواهد داشت" چنین می فرمایند: (ترجمه)

«اگر در آیات منزله و اصول امرالهی تعمق بیشتری معمول دارند به مفهوم ولایت امرالله واقف خواهند شد. وقتی که شخصی قلباً و عقلاً به درک این حقیقت فائز شود که خداوند انسان را به وسیله مظهرالهی مصون از خطا در هیكل انسانی هدایت و راهنمایی می فرماید تنها نتیجه منطقی پذیرش این حقیقت چنین خواهد بود که مقام حضرت عبدالبهاء و اولیاء امرالله پذیرفته شود. ولایة امرالله نشانه بلوغ نوع بشر هستند به این معنی که بالاخره انسان در حدی پیشرفت نموده که دنیای متحدی با مدیریتی واحد برای نظام جهانی بشر داشته باشد و در حیطه روحانی نیز به مقامی ترقی نموده که خداوند می تواند امور امر را در این دور مبارک به دست بشر بسپارد (یعنی ولایة امرالله) که به فرموده

حضرت عبدالبهاء در الواح مبارک وصایا مستقیماً از سوی حضرت بهاء الله و حضرت باب هدایت می شوند؛ معنی این که امروز روزی است که شب در پی ندارد اینست که تا آخر دوران دیانت بهائی راهنمایی و فیض خداوند ابتدا توسط حضرت عبدالبهاء و سپس از طریق اولیاء امر الله به بشر خواهد رسید اگر کسی نائل به ایمان و ادراک مقام حضرت بهاء الله شود در پذیرش این حقیقت که ایشان افرادی را که در امور امر الله مهتدی به هدایت الهی هستند تعیین فرموده مشکلی نخواهد داشت.»

(Lights of Guidance Page 310)

اولین ولی امر الله در پیام مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۵۴ وعده دادند که در عهد آینه عصر تکوین ساختمان هایی جهت استقرار محل ادارات مؤسسات ولایت امر، مؤسسه ایادی امر الله و بیت عدل اعظم ساخته خواهد شد. اگر بفرض محال قرار بود که طبق نظر منکرین و مخالفین ولایت امر الله، ولی امر دیگری جانشین ایشان نباشد و طبعاً ایادی امر الله هم وجود نداشته باشند این ساختمان ها دیگر ضرورتی نداشت؛ زیرا ایجاد ابنیه فوق الذکر حتی اگر ایشان عمر طولانی هم می داشتند با توجه به وعده زمانی برای دوران ولایت ایشان و عمر ایادیشان وصلت نمی داد.

The raising of this Edifice will in turn herald the construction, **in the course of successive epochs of the Formative Age of the Faith**, of several other structures,

which will serve as the administrative seats of such divinely appointed institutions as the Guardianship, the Hands of the Cause, and the Universal House of Justice.

(Shoghi Effendi, Messages to the Baha'i World – 1950 – 1957, p. 73)

اگر طبق نظر منکرین و بفرض محال قرار بود که پس از صعود اولین ولی امرالله ولی امر دیگری جانشین ایشان نباشد و طبعاً ایادی امرالله هم وجود نداشته باشند چرا اولین ولی عزیز امر در توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع حدود سه سال قبل از صعود فرمودند:

«در قرب این دو بنیان رفیع النبا و این دو معهد قوی الارکان بنائی دیگر که دار لولایه و مرکز تبیین و تأویل و تفسیر احکام منصوصه است و مؤید و متمم هیئت تشریحیه است متدرجاً مرتفع خواهد گشت و نیز بنیانی دیگر منضم باین ابنیه ثلاثه خواهد شد که مرکز ترویج و دار التبلیغ است و مقر استقرار ایادی امرالله که بر حسب نص قاطع کتاب وصایا مأمور بحفاظه و صیانت و حمایت امرالله و حفظ وحدت جامعه و انتشار دین الله و ابلاغ کلمة الله اند و این ابنیه جلیله سامیه که به طرزی زیبا و هندسه ای بدیع متدرجاً در حول این مراقد تأسیس خواهد یافت کل از تفرعات این مراکز اداری عظیم الشان ثابت الارکان عظیم الاتساع پیروان امر مالک الابداع و ملیک الاختراع محسوب و این مراکز اداری جامعه بهائیان عالم بنفسه محور تأسیسات نظم بدیع آن محیی رمم و منبع جود و کرم و رمز

وحدت اصلیه دول و ملل و امم و مقر سلطنت و جلوه گاه سلطه روحانیه و زمینی و مرجع اعلای
پیروان امراتم اکرم و محل انعکاس و معرض تجلیات عرش مصور رمم بر افاق عالم و منبع مدنیت الهیه
که اعلی و ابهی ثمره مراسم اعظم است و در عصر ثالث ذهبی دور بهائی و در ادوار آتیه اثراتش کاملاً
پدیدار و فیوضاتش چون سیل جارف منحدر بر عالمیان خواهد گشت.»

کسانی که تشکیلات اداری ساخته خود را جایگزین نظم بدیعی که طراح آن حضرت عبدالبهاء
هستند نموده اند عملاً اولین ولیّ عزیز امرالله را به نقض عهد و عدم اجرای مفاد الواح مبارک و صایا
متم نموده و حتی اتهام سکوت به ایشان نسبت می دهند در حالی که ایشان نه تنها هرگز سکوت نفرمود
بلکه تا آخرین لحظه حیات عنصری خود تداوم و تسلسل ولایت امرالله را بشارت داد؛ زیرا اراده
الهی چنین است.

یادداشت آخرین زائری که قبل از عزیمت ایشان به لندن در سال ۱۹۵۷ گواهی بر این می دهد که حتی
در آخرین لحظات زندگی خود امر محتوم الهی را گوش زد نمودند، ولیام آیسون که افتخار این را پیدا کرد
که باتفاق مادرش پس از خاتمه دوران زیارت یک هفته دیگر با ولیّ امرالله باشد در آخرین قسمت
از یادداشت خود گفته ولیّ عزیز امرالله را بازگویی نموده است. (ترجمه)

«مؤسسه ولایت امرالله آیات را تبیین خواهد کرد و ایادی امرالله را رهبری و هدایت خواهد نمود،

ریاست بیت عدل را به عهد خواهد داشت و حوزه و حیطة تشریح را مشخص خواهد ساخت.»

مشاهده متن کامل یادداشت مذکور:

http://bahai-library.com/allison_pilgrims_notes